

Research Paper



**The Relationship Between Marital Boredom and Marital Expectations and Cognitive Fusion in Married Women: The Mediating Role of Emotional Failure**



Mosaieb Yarmohammadi vassel <sup>1\*</sup>, Mahdiye Yazdipanah <sup>2</sup>, hosein mohagheghi <sup>3</sup>

1. Associate Professor of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu Ali sina university, Hamedan, Iran.
2. psychology department, buali sina university of hamedan, Iran.
3. M.A in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Economic and Social Science, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.16241

DOR: [20.1001.1.27173852.1402.18.69.17.0](https://doi.org/10.22034/JMPR.2023.16241)

URL: [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_16241.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16241.html)



ARTICLE INFO

ABSTRACT

**Keywords:**  
Marital Expectations,  
Cognitive Fusion,  
Emotional Cutoff,  
Marital Boredom

Received: 2022/05/13  
Accepted: 2022/06/18  
Available: 2023/05/21

Marital boredom is one of the most important variables in marital relationships that makes marital life seriously challenged and if it continues, it can lead to divorce. Marital boredom can be influenced by the couple's emotional relationships and marital expectations. The aim of this study was to investigate the mediating role of emotional cutoff between marital boredom with marital expectations and cognitive fusion in married women. The research method was descriptive-correlational and structural equation modeling. The statistical population of the study was all married women with marital problems in Mashhad in 1399-1400, from which a sample of 295 people was selected by random cluster sampling. The instruments used in this study included Pines Marital Boredom Scale (1996), Omidvar et al. Marital Expectations Scale (2009), Skowron differentiation of self Scale (2000) and Gilanders Cognitive Fusion Scale (2014). The results showed that the developed model had a good fit with the data. The results of structural relationships of the model showed that marital expectations and cognitive fusion have a direct and significant effect on marital boredom. Also, emotional cutoff had a direct and significant effect on marital boredom. The results of indirect relationships showed that marital expectations and cognitive fusion mediated by emotional cutoff have a significant effect on marital boredom. Based on the results of cognitive fusion and marital expectations mediated by emotional cutoff are effective on marital boredom. Therefore, by developing programs to reduce marital expectations and cognitive fusion and emotional cutoff in individuals, one can expect to reduce marital boredom in them.



\* Corresponding Author: Mosaieb Yarmohammadi vassel

E-mail: Yarmohamadivassel@yahoo.com

مقاله پژوهشی



رابطه بین دزدگی زناشویی با انتظارات زناشویی و هم‌جوشی شناختی در زنان متاهل: نقش واسطه‌ای گسلش عاطفی



مسیب یارمحمدی واصل<sup>۱\*</sup>، مهدیه یزدی پناه<sup>۲</sup>، حسین محقق<sup>۳</sup>

۱. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.



DOI: 10.22034/JMPR.2023.16241

DOR: 20.1001.1.27173852.1402.18.69.17.0

URL: [https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article\\_16241.html](https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_16241.html)



چکیده

مشخصات مقاله

دزدگی زناشویی یکی از عوامل مهم در روابط زناشویی است که زندگی زناشویی را با چالش جدی مواجه کرده و در صورت تداوم می‌تواند منجر به طلاق شود. دزدگی زناشویی می‌تواند تحت تأثیر روابط عاطفی و انتظارات زناشویی زوجین باشد. هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای گسلش عاطفی بین دزدگی زناشویی با انتظارات زناشویی و هم‌جوشی شناختی در زنان متاهل بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش همه زنان متاهل دارای اختلاف زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر مشهد در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند که نمونه‌ای به حجم ۲۹۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار استفاده شده در این پژوهش شامل مقیاس دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، مقیاس انتظارات زناشویی امیدوار و همکاران (۱۳۸۸)، مقیاس خود متمایزسازی اسکورون (۲۰۰۰) و مقیاس هم‌جوشی شناختی گیلاندرز (۲۰۱۴) بود. نتایج نشان داد مدل تدوین شده با داده‌ها برازش مناسبی داشت. نتایج روابط ساختاری مدل نشان داد که انتظارات زناشویی و هم‌جوشی شناختی بر دزدگی زناشویی، اثر مستقیم و معناداری دارند. همچنین، گسلش عاطفی نیز بر دزدگی زناشویی اثر مستقیم و معناداری داشت. نتایج روابط غیرمستقیم نشان داد که انتظارات زناشویی و هم‌جوشی شناختی با میانجی‌گری گسلش عاطفی بر دزدگی زناشویی اثر معناداری دارند. بر اساس نتایج هم‌جوشی شناختی و انتظارات زناشویی با میانجی‌گری گسلش عاطفی بر دزدگی زناشویی موثر هستند. از این‌رو، با تدوین برنامه‌هایی جهت کاهش انتظارات زناشویی و هم‌جوشی شناختی و گسلش عاطفی در افراد، می‌توان انتظار کاهش دزدگی زناشویی را در آنان داشت.

کلیدواژه‌ها:

انتظارات زناشویی، دزدگی زناشویی، گسلش عاطفی، هم‌جوشی شناختی

دریافت شده: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳

پذیرفته شده: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

منتشر شده: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

\* نویسنده مسئول: مسیب یارمحمدی واصل

رایانامه: Yarmohamadivasel@yahoo.com

## مقدمه

ازدواج رضایت‌بخش، نوعی پیوند صمیمانه و اجتماعی میان زن و شوهر است که می‌تواند منشا خوشی و شادمانی و یا رنجی عمیق برای آن‌ها شود. (یار محمدی و اصل، مهرابی‌پور، ذوقی پایدار، ۱۳۹۹). بنابراین زمانی که ازدواج با دنیایی از امید آغاز می‌شود، زوجین این نوید را به خود می‌دهند که روزی همسرشان عواطفشان را درک کند و آن‌ها را همان‌گونه که هستند بپذیرند تا به آن خشنودی حاصل از ازدواج برسند. اما ازدواج با اینکه که یک تجربه مثبتی بین زن و شوهر است، گاهی مجموعه‌ای از عوامل وجود دارد که باعث ایجاد تعارض و آشفتگی در روابط زناشویی و کاهش میزان خشنودی در زوجین می‌شوند که ممکن است در نهایت این عوامل باعث دزدگی<sup>۱</sup> و جدایی شوند (بیام، مارکاس، تورکیمر و امری<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). بدین صورت وقتی زن شوهر نتواند به شیوه مثبت مشکلات خود را حل و فصل کند، دچار تعارضاتی در روابط خود می‌شوند و کم‌کم از عشق و علاقه رویایی خود فاصله می‌گیرند و هر عامل و اتفاق دلسردکننده‌ای را، برای توجیه برچسب زدن منفی نسبت به همسرشان به کار می‌برند و اینجا زمانی است که زوجین در برقراری ارتباط با یک دیگر شکست می‌خورند، صمیمیت و تعهد متقابل گسسته و دزدگی زناشویی ایجاد می‌شود (پناهی، ج مارانی، عنایتپور، شهربابکی و رستمی، ۱۳۹۶).

دزدگی زناشویی، معیاری از فاصله عاطفی و نبود عاطفه مثبت می‌باشد که شامل بی‌تفاوتی و بی‌توجهی و بیگانگی عاطفی نسبت به همسر است (تساپلاس، ارون و اورباچ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). به عبارتی دزدگی یعنی، باگذر از مرحله هیجانی و عاطفی اول ازدواج و عدم تناسب بین انتظارات<sup>۴</sup> و واقعیات ناشی می‌شود که عشق و صمیمیت به آرامی تحلیل می‌رود و کم‌کم خستگی عمومی عارض می‌شود که در بدترین نوع آن، دزدگی با فروپاشی رابطه برابر است (فابرت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). دزدگی زناشویی با ابعاد مختلف سلامت در ارتباط می‌باشد. به این صورت که دزدگی زناشویی در بعد جسمانی با پایین بودن سلامت عمومی بدن، ضعیف بودن سیستم ایمنی بدن و مشکلات قلبی و عروقی همراه است و در بعد روانی- اجتماعی هم علاوه بر نشانه‌های افسردگی و اضطراب، گرایش به رفتارهای آسیب‌زا و پایین بودن صمیمیت زناشویی و بدکارکردی رفتارهای جنسی را نشان می‌دهد. (مومنی، و همکاران، ۱۳۹۹). دزدگی زناشویی که یکی از پیامدهای مهم اختلافات زناشویی است، ناگهانی پیش نمی‌آید بلکه این پدیده به آرامی، با تخریب رابطه، با رشد، آگاهی و توجه به چیزهایی که به اندازه گذشته خوشایند نیستند آغاز می‌گردد، تا حدی که زوجین، دیگر قادر به تحمل شرایط موجود نیستند، در نهایت آن‌ها دچار نوعی درماندگی و ناتوانی در حل اختلافات و بهبود روابط خود می‌شوند (پانیز<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲).

علی‌بکیان و افشاری‌نیا (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی برآش مدل نقش واسطه‌ای دزدگی زناشویی در رابطه بین تمایز یافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی در زنان و مردان

1. Boredom
2. Beam, Markus, Turkimer and Emry
3. Thessapllas and Aron and Orbach
4. Expectations

متاهل پرداختند. ارزیابی مدل نشان داد که رابطه غیرمستقیم تمایز یافتگی خود با سازگاری زناشویی از طریق دزدگی زناشویی و رابطه تمایز یافتگی با دزدگی نیز معنادار می‌باشد. در پژوهش صورت گرفته از سوی کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان نقش تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی دزدگی زناشویی نتایج نشان داد که بین تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دزدگی زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. توماس و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی میزان اثرگذاری احساسات منفی در رابطه خودتمایز یافتگی و رضایت از رابطه را بررسی کرد. گسلس عاطفی به عنوان تنها پیش‌بینی‌کننده رضایت از رابطه ظاهر شد. هنگامی که اضطراب صفت به مدل وارد شد، بین گسلس عاطفی و رضایت از رابطه نقش میانجی را ایفا نمود. پرایس و همکاران (۲۰۲۰) در یک مطالعه به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در گسلس عاطفی و واکنش عاطفی بر روابط زوجین پرداختند. نتایج نشان داد مردان سطح بالاتری از گسلس عاطفی را در مقایسه با زنان گزارش کردند که رابطه خود و رضایت جنسی را به‌طور منفی پیش‌بینی کرد. گسلس عاطفی زنان نیز با رضایت از روابط خود ارتباط منفی داشت. زنان، مقادیر بالاتری از واکنش عاطفی را در مقایسه با مردان گزارش کردند. این یافته‌ها تأثیر روابط عاطفی بر رضایت از رابطه و میل جنسی را تایید می‌کند.

طبق دیدگاه اصالت وجودی، دزدگی حالات تجربه شده خستگی جسمی عاطفی و روانی است و از عدم تناسب مزمین بین همه توقعات و واقعیات ناشی می‌شود (پانیز، ۲۰۱۲). طبق نتایج تحقیقات، یکی از تبیین‌های مهم نگرش به دزدگی زناشویی و طلاق، نارضایتی زناشویی و برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر می‌باشد (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۲). از این رو یکی از عوامل موثر و نزدیک در بروز دزدگی، انتظارات و توقعات ناهمخوان با واقعیت است. وقتی انتظارات رمانتیک و عاشقانه به حقیقت نپیوندد، فرد احساس سرخوردگی را نسبت به همسرش نسبت می‌دهد و باعث از بین رفتن عشق و تعهد می‌شود و در نهایت عشق جای خود را به فرسودگی می‌دهد (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۲). انتظارات زناشویی مجموعه‌ای از انتظارات واقع‌بینانه، آرمان‌گرایانه و بدبینانه است که متاثر از عوامل مختلفی از جمله روابط والدین با یکدیگر، فرهنگ زوجین و رسانه است (دیکسون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). این انتظارات منطقی و غیرمنطقی، اعتقادات افراد را در زمینه ازدواج، سطح صمیمیت و نزدیکی با همسر، نوع شخصیت و جذابیت همسر آینده، نوع فعالیت‌های داخل و خارج خانواده و میزان مسئولیت و برابری زوجین در امور مربوطه را نشان می‌دهد (نیل‌فروشان، عابدی، احمدی و نویدیان، ۲۰۱۲).

رضایی و رضایی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به پیش‌بینی دزدگی زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سبک‌های حل تعارض یکپارچه و مصالحه پیش‌بین‌های منفی و سبک حل تعارض ملزم شده و انتظارات زناشویی پیش‌بین مثبت و معنادار

5. Faubert
6. Pines
7. Dixon

آشفتگی در زوجین می‌شود که ممکن است نیازمند مداخله بالینی باشد (کی گای<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸) با این حال نظریه‌پردازان حوزه آسیب‌شناسی روانی بررسی کرده‌اند که بی‌نظمی هیجانی و راهبردهای ناکارآمد مرتبط با آن تنها با واسطه تحریفات و همجوشی شناختی اتفاق می‌افتد (هیز و ویلسون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲). صدی‌فرد (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داد که بین باورهای فراشناختی و همجوشی شناختی با امید به زندگی زوجین رابطه منفی معناداری وجود دارد. اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود نشان دادند که رابطه منفی و معناداری بین دلدزدگی زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل و رابطه مثبت و معناداری بین دلدزدگی زناشویی با همجوشی شناختی و الگوی ارتباطی توقع-کناره‌گیری وجود دارد.

از عوامل مهم دیگر که پیش‌بینی می‌شود نقش مهمی بر دلدزدگی زناشویی دارد گسلس<sup>۸</sup> یا بریدگی عاطفی است (دریک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱). وقتی افراد بر اثر درگیری‌های شدید با مشکلات خانواده، استرس و فشار روانی زیادی را متحمل می‌شوند، ممکن است احساس تهدید و آسیب در رابطه کنند و بخاطر عدم توانایی در تنظیم هیجان، عواطف و رفتار منطقی، کم‌کم شروع به عقب‌نشینی یا خارج شدن از آن شرایط تنش‌زا می‌کنند، آنها با کاهش یا قطع ارتباط عاطفی با اعضای خانواده، مشکلات عاطفی حل نشده خود را به شیوه نادرست مدیریت می‌کنند.

گسلس عاطفی یکی از ابعاد بین فردی در تمایز یافتگی عنوان شده است که افراد دارای گسلس عاطفی، به دلیل بلوغ هیجانی پایین و ظرفیت محدودی که برای صمیمیت دارند، به نظر می‌رسد از تمایز یافتگی پایینی برخوردارند (گرینبرگ و گلدمن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷). بنابراین طبق پژوهش‌های اسکورن<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۰) افراد با تمایز یافتگی پایین در اختلافات زناشویی مخصوصاً در بعد گسلس عاطفی، به علت عدم توانایی در کنترل هیجانی و گفتگوی موثر، مشکلات روانشناختی و هیجانی در رابطه تجربه می‌کنند که منجر به واکنش هیجانی یا جدایی هیجانی در رابطه می‌شود (پروچسکا و نورکراس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۱ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۵). همچنین نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد گسلس عاطفی بر دلدزدگی زناشویی زنان متأهل اثر مستقیم دارد (لی و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۲۰) و کاظمیان مقدم و همکاران، (۱۳۹۶) لی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تعارضات زناشویی و مشکلات عاطفی مرتبط با تعارض در زوجین چینی را بررسی کردند و نتایج مطالعه آنها نشان داد که متغیرهای محیطی مانند وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی و متغیرهای فردی مانند جدایی عاطفی و تنظیم هیجان نقش مهمی در تعارضات زناشویی زوجین دارد. کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی بررسی نقش تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی دلدزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل پرداختند. نتایج حاصل نشان داد که بین تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلدزدگی زناشویی رابطه منفی معنی داری

دلدزدگی زناشویی هستند. شفعی زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر تمایز یافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش پیش از ازدواج هم بر تمایز یافتگی، نگرش زناشویی و انتظارات زناشویی و هم بر واکنش پذیری، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران و انتظار بدبینانه تأثیر معناداری داشت. کمپل و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی انتظارات زناشویی زنان تازه ازدواج کرده را مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه انتظارات زناشویی زنان تازه ازدواج کرده را همراه با تجارب خیانت و انتظارات از طلاق مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد، این زنان اساساً ازدواج را از نظر عشق و رضایت شخصی تصور کردند. آنها انواع افکار و رفتارهای خارج از ازدواج را گزارش کردند و ۷۴ درصد از آنها انتظار طلاق را داشتند.

بر طبق دیدگاه بک این انتظارات غیرمنطقی<sup>۱</sup> که ممکن است باعث ایجاد ناکامی و کناره‌گیری عاطفی و ناخشنودی در زوجین شود، اغلب با تعاملات و تفکرات تحریف شده منفی در ارتباط است، به همین ترتیب بخش زیادی از علت ناامیدی‌ها، تشویش و نگرانی‌ها در افراد جامعه را باید در باورها و نگرش‌های غیرعقلانی نسبت به ذهن خود و محیط و تحصیلات جست و جو نمود همین‌طور زمانی که زوجین در برآورد انتظارات و باورهای غیرعقلانی خود ناکام بمانند ممکن است در چرخه هیجانات منفی مثل اضطراب افسردگی و خشم، نفرت گرفتار شوند که این خود منشا نارضایتی‌ها و ناسازگاری‌ها را فراهم می‌آورد و باعث می‌شود زوجین خود را از احساس عشق و صمیمیت زناشویی محروم کنند که در نهایت ممکن است باعث دلدزدگی و طلاق ختم شود.

همجوشی شناختی<sup>۲</sup> از عوامل تأثیرگذار دیگر بر دلدزدگی زناشویی است (گیلاندرز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). همجوشی نوعی تحریف شناختی است، که از باورهای غیر منطقی افرادی تشکیل می‌شوند که دچار سوء تفاهم بین فکر و عمل شده‌اند بدین صورت که فرد به گونه‌ای با افکارش درگیر می‌شود که روی رفتار، تأثیر مستقیم می‌گذارد و او را از دیدن واقعیت عمل محروم می‌کند (گیلاندرز، ۲۰۱۵).

هاید و دلماتور<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) و شنک<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) طبق پژوهش‌های خود، معتقداند زمانی که بحث و اختلافات زناشویی رخ می‌دهد، افکار قفل می‌شود، و شناسایی ماهیت اصلی افکار و عمل دشوار می‌شود که نتیجه آن باعث به وجود آمدن، خطا و تحریفات شناختی در ذهن می‌شود.

به همین ترتیب، همجوشی شناختی در روابط زناشویی می‌تواند به چندین ویژگی بالینی شامل اضطراب، احساسات و هیجانات، تمایز یافتگی ضعیف، سبک‌های دلبستگی نایمن، مکانیسم‌های مقابله‌ای و عدم بینش مربوط شود که اگر در یک طیف نرمال باشد، برای رابطه مفید و سالم است، در غیر این صورت همجوشی شدید برای رابطه مضر و منجر به درگیری و

8. Emotional cutoff
9. Drake
10. Greenberg and Goldnan
11. Scoren
12. Prochaska and Norcross
13. Lee and zhon

1. Irrational expectations
2. cognitive fusion
3. Gillanders
4. Hyde and delmator
5. Shenk
6. Kigay
7. Hayse and Wilson

زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره گرفته شد و پرسشنامه ها بین زنان متأهل مراجعه کننده، بنا به شرایط موجود (کرونا) به صورت اینترنتی تکمیل شد. بدین صورت که پرسشنامه ها آنلاین تهیه شد، در مراکز مشاوره منتخب، در اختیار کسانی که برای زوج درمانی مراجعه کرده بودند قرار گرفت. ملاکهای ورود به پژوهش: سن بالای ۱۸ سال- زنان متأهل- رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش- نداشتن مشکلات شدید روانی بود.

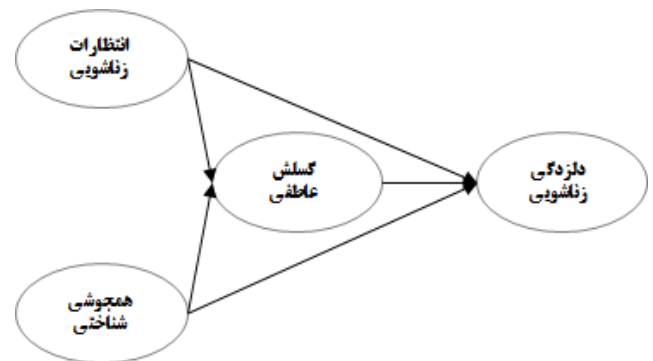
### ابزار پژوهش

**مقیاس پرسشنامه دلدزگی زناشویی پاینز (CBM):** پرسشنامه دلدزگی زناشویی یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز در سال (۱۹۹۶) ساخته شد و سه بعد جسمی، عاطفی، روانی را مورد سنجش قرار می دهد. این پرسشنامه ۲۱ ماده دارد که ۱۷ ماده آن شامل عبارات های منفی مثل خستگی، ناراحتی و بی ارزش بودن و ۴ ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پر انرژی بودن است. سوالات پرسشنامه در یک طیف ۷ گزینه ایی از هرگز (۱) تا همیشه (۷) نمره گذاری می شود. پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ در دامنه بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ گزارش شد ( پاینز، ۱۹۹۶). نعیم (۲۰۰۹) در پژوهشی پایایی این مقیاس را با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کرده است. در پژوهشی برای بدست آوردن روایی، همبستگی این آزمون را با پرسشنامه اینریچ محاسبه کردند، ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰- دست آمد که در سطح  $p < 0/001$  معنادار بود (ساداتی، مهربایی هنر مند، سودانی، ۱۳۹۳).

**مقیاس پرسشنامه انتظارات زناشویی (MEQ):** این پرسشنامه توسط امیدوار و همکاران (۱۳۸۸) تهیه شده است که شامل ۳۲ سوال در طیف ۵ درجه ای لیکرت از اصلاً (۰) تا همیشه (۴) نمره گذاری شده است (اصلاً = ۰، بندرت = ۱، گاهی = ۲، اغلب = ۳، همیشه = ۴). نمره بالا نشان دهنده انتظارات زناشویی بالا و نمره پایین نشان دهنده انتظارات زناشویی پایین است. مولفه های این مقیاس عبارتند از انتظارات از همسر به عنوان دوست و حامی ۷ گویه، انتظارات از زندگی زناشویی شامل ۱۱ گویه، انتظارات از یک رابطه ایده آل شامل ۱۴ گویه بود. به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از دو شیوه تعیین سازه های بنیادی و همبستگی درونی زیرمقیاس ها با نمره کل استفاده شده است. برای تعیین سازه ها و عوامل بنیادی پرسشنامه، از تحلیل عاملی با چرخش متمایل استفاده شده که در نهایت ۳ عامل براساس ۳۷/۵ درصد واریانس های مجموع هشت عامل اول به دست آمد. براساس این پرسشنامه، ابعاد انتظارات زناشویی عبارتند از: (انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی)، (انتظار از زندگی زناشویی) و (انتظار از یک رابطه ایده آل). همبستگی تمام زیرمقیاس های استخراج شده با یکدیگر و به ویژه با نمره کل بالا و معنادار بود  $p < 0/01$  که حاکی از روایی بالا پرسشنامه است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه انتظارات زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که پایایی خرده مقیاس های انتظارات از همسر به عنوان دوست و حامی ۰/۷۰، انتظارات از زندگی زناشویی ۰/۸۰، انتظار از یک رابطه ایده آل ۰/۹۱ و برای کل پرسشنامه برابر است با ۰/۹۲ بود.

وجود دارد. همچنین تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در تبیین و پیش بینی واریانس دلدزگی زناشویی نقش دارد.

بنابراین می توان مطرح کرد که گسلس عاطفی به عنوان یک فرایند هیجانی آسیب پذیر می تواند واسطه ایی بین شناخت (انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی) و دلدزگی زناشویی باشد، به این گونه که انتظارات غیرمنطقی و تحریفات فکری ناشی از همجوشی شناختی، به دلیل تفسیر شناختی اشتباهی که در افکار زوجین پدید آورده اند می توانند مشکلاتی در تنظیم هیجانی افراد به وجود آورند، که در نهایت می تواند بر دلدزگی زناشویی اثرگذار باشد.



در پژوهش های پیشین نقش انتظارات زناشویی، همجوشی شناختی و همچنین گسلس عاطفی بر دلدزگی زناشویی تأیید شده است، اما پژوهشی که نقش واسطه ای گسلس عاطفی بین انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی با دلدزگی زناشویی را مورد بررسی قرار دهد یافت نشد. به نوعی در مطالعه حاضر یک مدل فرضی از روابط ترسیم شده است که در پی اثرگذاری انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی بر دلدزگی زناشویی با واسطه گری گسلس عاطفی است. در این مدل نکته مهم قرار گرفتن گسلس عاطفی به عنوان میانجی در ارتباط بین انتظارات زناشویی و همجوشی با دلدزگی زناشویی است. لذا سوال اصلی پژوهش حاضر این است که ارتباط انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی با دلدزگی از طریق گسلس عاطفی چگونه است؟

### روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و مدل سازی معادلات ساختاری بود. در این پژوهش جامعه آماری را کلیه زنان متأهل دارای اختلاف زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره مشهد در زمستان سال ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰ تشکیل داد. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۲۹۵ نفر با استفاده از نمونه گیری تصادفی خوشه ایی انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین ۷ ناحیه مشهد که مراکز مشاوره داشت، ۴ ناحیه (ناحیه ۲، ۴، ۵، ۶) انتخاب شد، سپس از هر ناحیه یک مرکز مشاوره انتخاب شد. پس از کسب مجوزهای لازم از دانشگاه، پرسشنامه آنلاین تنظیم و سپس مجوز لازم از اداره کل بهزیستی مشهد برای توزیع و اجرای آنلاین پرسشنامه ها برای



نتایج

جدول ۱. شاخصهای توصیفی انتظارات زناشویی، همجوشی شناختی، گسلس عاطفی و دزدگی زناشویی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
انتظارات از همسر	۲۴/۹۵	۴/۴۳	-۰/۵۲	-۱/۰۳
انتظارات از زندگی زناشویی	۳۷/۷۸	۵/۷۷	-۱/۳۴	۰/۱۴
انتظارات از رابطه ایده آل	۳۵/۷۲	۹/۴۶	-۰/۰۱	۰/۳۵
نمره کل	۹۸/۴۵	۱۶/۳۹	-۰/۰۶	-۰/۴۱
خستگی جسمی	۱۲/۰۳	۳/۶۹	-۰/۷۰	۰/۱۶
خستگی عاطفی	۲۷/۵۹	۷/۶۵	-۰/۶۱	-۰/۰۳
خستگی روانی	۲۰/۸۵	۳/۶۵	-۰/۰۴	۰/۲۲
نمره کل	۶۰/۴۷	۱۲/۲۱	۰/۷۶	۰/۱۲
گسلس شناختی	۱۲/۲۳	۲/۴۵	-۰/۰۱	-۰/۵۰
همجوشی	۳۲/۵۵	۸/۹۶	۰/۵۳	-۰/۱۴
نمره کل	۴۵/۷۸	۱۰/۰۵	۰/۶۷	-۰/۳۱
گسلس عاطفی	۳۴/۷۲	۵/۵۸	۰/۸۷	-۰/۳۴

یافته‌ها نشان داد میانگین و انحراف معیار انتظارات زناشویی ۹۸/۴۵ و ۱۶/۳۹، میانگین و انحراف معیار همجوشی شناختی ۳۲/۵۵ و ۸/۹۶، میانگین و انحراف معیار گسلس عاطفی ۳۴/۷۲ و ۵/۵۸، میانگین و انحراف معیار دزدگی زناشویی ۶۰/۴۷ و ۱۲/۲۱ است. یافته‌ها حاکی است که میانگین متغیرهای انتظارات زناشویی (انتظارات از همسر و انتظارات از زندگی زناشویی و انتظار از رابطه ایده‌آل) به ترتیب ۳۵/۷۲، ۳۷/۷۸، ۲۴/۹۵ می‌باشد و میانگین متغیرهای دزدگی زناشویی (خستگی جسمی، خستگی عاطفی، خستگی روانی) به ترتیب ۲۰/۸۵، ۲۷/۵۹، ۱۲/۰۳ می‌باشد. بالاترین میانگین متغیرهای همجوشی شناختی (گسلس) ۱۲/۲۳ می‌باشد. بالاترین میانگین مولفه‌های انتظارات زناشویی مربوط به مولفه انتظارات از زندگی زناشویی با ۳۷/۷۸ و بالاترین میانگین مولفه‌های دزدگی زناشویی، مربوط به مولفه خستگی عاطفی ۲۷/۵۹ بود. میانگین بعد گسلس ۱۲/۲۳ و بعد همجوشی ۳۵/۵۵ بود (جدول، ۱).

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین انتظارات زناشویی با گسلس عاطفی ( $r=0/45$  و  $P<0/01$ ) و دزدگی زناشویی ( $r=0/35$  و  $P<0/01$ ) رابطه معناداری وجود دارد. بین همجوشی شناختی با گسلس عاطفی ( $r=0/41$  و  $P<0/01$ ) و دزدگی زناشویی ( $r=0/43$  و  $P<0/01$ ) رابطه معناداری

همچنین روایی صوری و محتوایی ابزار با نظر ۱۵ نفر متخصصان روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تایید شد.

مقیاس پرسشنامه خود متمایز سازی اسکورون: این پرسشنامه توسط اسکورون<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) ساخته شده است. ابزاری ۴۵ سوالی است که به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و از چهار خرده مقیاس شامل: واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گسلس عاطفی و آمیختگی عاطفی با دیگران تشکیل شده است. در این پژوهش از مولفه گسلس عاطفی که ۱۲ سوال داشت، استفاده شده است. در پژوهش اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) ضریب پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بدست آمده است. این آزمون در ایران توسط یونسی (۱۳۸۶) روی نمونه عادی هنجاریابی شد و اعتبار آن از طریق بازآزمایی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵، واکنش هیجانی ۰/۷۷، موقعیت من ۰/۶۰، گسلس عاطفی ۰/۶۵ و آمیختگی عاطفی با دیگران ۰/۷۰ بدست آمد، پایایی آن از طریق بازآزمایی و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ و پایایی خرده مقیاس‌های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۸۴ محاسبه گردید و روایی محتوایی نیز ۰/۸۳ بدست آمد. همچنین روایی آزمون نیز از طریق تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت و ۴ عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک به دست آمد که در مجموع ۵۷/۶۷ واریانس را تبیین کرد محتوایی نیز ۰/۸۳ بدست آمد (ساداتی، مهربانی هنر مند، سودانی، ۱۳۹۳).

مقیاس پرسشنامه همجوشی شناختی گیلاندرز: این مقیاس توسط گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۴) به منظور سنجش همجوشی شناختی تهیه شده و دارای ۱۲ سوال در طیف لیکرت ۶ درجه ای از هرگز درست نیست (۱) تا همیشه درست (۶) می‌باشد دامنه نمرات این مقیاس بین ۶ تا ۴۲ می‌باشد. این ابزار دارای دو مؤلفه همجوشی و گسلس شناختی می‌باشد. سازندگان مقیاس ضریب آلفای کرونباخ مقیاس را ۰/۹۳ درصد و ضریب پایایی بازآزمایی را در فاصله ۴ هفته ای ۰/۸۰ گزارش کردند. ضریب همبستگی مقیاس با مقیاس تعهد و پذیرش و مقیاس ذهن آگاهی ساوتمتون به ترتیب برابر ۰/۷۲ و ۰/۷۰ به دست آمده در ایران این ضریب برای مقیاس همجوشی شناختی ۰/۷۶ به دست آمده (زارع، ۱۳۹۳) در مطالعه دیگری اکبری و همکاران در پژوهش خود بر روی یک نمونه دانشجویی ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۱ و ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله ۵ هفته را هم ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند (اکبری، محمدخانی و زرغامی، ۱۳۹۵). در ایران نیز در پژوهش زارع روایی پرسشنامه تایید شده و ضریب پایایی پرسشنامه ۰/۷۶ گزارش شد. در پژوهش آقا جانی و صمدی فرد ضریب همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ بود.

پس از استخراج داده‌ها، تحلیل آنها با استفاده از روش مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد، در تحلیل داده‌هایی که به دست آمد، از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ به منظور توصیف داده‌ها، شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد و از روش مدلیابی معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های پژوهش در قالب نرم افزار لیزرل نسخه ۸.۸ استفاده شد.

1. Score

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. انتظارات زناشویی	-											
۲. انتظار از همسر	۰/۵۵**	-										
۳. انتظار از زندگی	۰/۶۲**	۰/۳۰**	-									
۴. انتظار از رابطه	۰/۶۸**	۰/۲۱**	۰/۱۷*	-								
۵. همجوشی شناختی	۰/۲۹**	۰/۲۲**	۰/۲۶**	۰/۳۵**	-							
۶. گلش	۰/۲۴**	۰/۲۴**	۰/۳۴**	۰/۳۲**	۰/۷۱**	-						
۷. همجوشی	۰/۳۳**	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۳۸**	۰/۸۳**	۰/۲۷**	-					
۸. گسلس عاطفی	۰/۴۵**	۰/۳۳**	۰/۴۱**	۰/۴۶**	۰/۴۱**	۰/۴۹**	۰/۳۴**	-				
۹. دلزدگی زناشویی	۰/۳۵**	۰/۲۶**	۰/۳۸**	۰/۳۳**	۰/۴۳**	۰/۴۵**	۰/۴۰**	۰/۳۸**	-			
۱۰. خستگی جسمی	۰/۲۷**	۰/۲۴**	۰/۳۲**	۰/۳۷**	۰/۳۷**	۰/۴۳**	۰/۳۲**	۰/۲۹**	۰/۶۴**	-		
۱۱. خستگی عاطفی	۰/۳۹**	۰/۱۹*	۰/۳۴**	۰/۲۹**	۰/۴۶**	۰/۳۸**	۰/۴۴**	۰/۴۱**	۰/۸۳**	۰/۲۵**	-	
۱۲. خستگی روانی	۰/۳۱**	۰/۲۳**	۰/۴۲**	۰/۳۵**	۰/۳۹**	۰/۴۲**	۰/۳۵**	۰/۳۷**	۰/۵۶**	۰/۲۸**	۰/۳۱**	-

\*\*p<۰/۰۱، \*p<۰/۰۵

جدول ۳. مشخصه‌های نیکویی برازندگی مدل برازش یافته

(روابط انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی با دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری گسلس عاطفی)

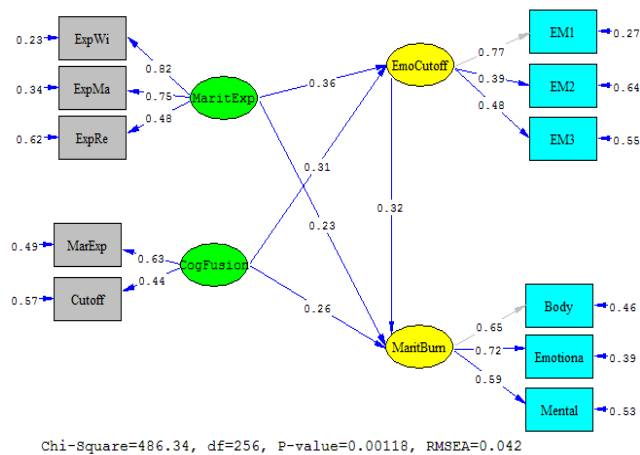
شاخص‌های برازش	X <sup>2</sup>	df	X <sup>2</sup> / df	GF I	IFI	NFI	CFI	RMS EA
مقادیر	۴۸۶/۳۴	۲۵۶	۱/۸۹	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۰۴۲

نتایج جدول شماره ۴ نسبت مجذورخی به درجه آزادی فاقد معیاری ثابت برای مدل قابل قبول است. شاخص نکویی برازش، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش استاندارد برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند مساوی یا بزرگتر از ۰/۹ است. همچنین مقدارریشه میانگین مجذورات پس مانده‌ها برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند، مساوی یا کمتر از ۰/۰۵ است و مقادیر بالای ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ نیز خطای معقول در جامعه را نشان می‌دهد. باتوجه به مشخصه‌های نکویی برازندگی گزارش شده، برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. در کل روابط مفهومی پژوهش با داده‌های تجربی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج برازش مدل در نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهد که مدل تبیین دلزدگی زناشویی براساس انتظارات و همجوشی شناختی با نقش واسطه‌گری گسلس عاطفی در زنان متأهل از برازش مطلوبی برخوردار است.

وجود دارد. بین گسلس عاطفی با دلزدگی زناشویی ( $P < 0.01$  و  $r = 0.38$ ) رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس این نتایج بین متغیرهای برونزا با میانجی و درونزای نهایی و بین میانجی با درونزای نهایی رابطه معنادار وجود دارد.

نمودار ۱. مدل انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی با دلزدگی زناشویی

با میانجی‌گری گسلس عاطفی



Chi-Square=486.34, df=256, P-value=0.00118, RMSEA=0.042

جدول ۴. ضرایب استاندارد و سطوح معناداری رابطه بین انتظارات

زناشویی بر دلزدگی زناشویی				
مسیر	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	مقدار t	سطح معناداری
اثر انتظارات زناشویی بر دلزدگی زناشویی	۰/۱۱	۰/۲۳	۴/۵۲	۰/۰۰۱
اثر گسلس عاطفی بر دلزدگی زناشویی	-	۰/۳۲	۷/۱۴	۰/۰۰۱
اثر همجوشی شناختی بر دلزدگی زناشویی	۰/۰۹	۰/۲۶	۵/۳۷	۰/۰۰۱
اثر انتظارات زناشویی بر گسلس عاطفی	-	۰/۳۶	۸/۲۴	۰/۰۰۱
اثر همجوشی شناختی بر گسلس عاطفی	-	۰/۳۱	۶/۷۹	۰/۰۰۱

یافته‌ها نشان می‌دهد اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر دلزدگی زناشویی ( $p < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۲۳$ )، اثر مستقیم گسلس عاطفی بر دلزدگی زناشویی ( $p < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۳۲$ ) و اثر مستقیم همجوشی شناختی بر دلزدگی زناشویی ( $p < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۲۶$ ) بود. اثر مستقیم انتظارات زناشویی بر گسلس عاطفی ( $p < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۳۶$ ) و اثر مستقیم همجوشی شناختی بر گسلس عاطفی ( $p < ۰/۰۱$ ،  $\beta = ۰/۳۱$ ) بود. برای بررسی معناداری نقش میانجی گسلس عاطفی در رابطه بین انتظارات زناشویی با دلزدگی زناشویی از آزمون سوئل استفاده شد.

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون سوئل برای بررسی نقش میانجی گسلس عاطفی در رابطه بین انتظارات زناشویی با دلزدگی زناشویی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	متغیر میانجی	Sobel's test (z)	P
انتظارات زناشویی	دلزدگی زناشویی	گسلس عاطفی	۶/۸۲	۰/۰۰۱
همجوشی شناختی	دلزدگی زناشویی	گسلس عاطفی	۶/۳۶	۰/۰۰۱

یافته‌ها با استفاده از آزمون سوئل به بررسی نقش میانجی گسلس عاطفی در رابطه بین انتظارات زناشویی با دلزدگی زناشویی پرداخته شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که رابطه بین انتظارات زناشویی و دلزدگی زناشویی از طریق گسلس عاطفی معنادار بود. زیرا سطح معناداری مربوطه از ۰/۰۱ کمتر است ( $P < ۰/۰۱$ )، همچنین بین همجوشی شناختی و دلزدگی زناشویی از طریق گسلس عاطفی رابطه معنادار بود. زیرا سطح معناداری از ۰/۰۱ کمتر است ( $P < ۰/۰۱$ ).

بحث و نتیجه‌گیری

1. Thomas, Shelley-Tremblay and Joanning
2. Price, Leavitt and Allsop
3. Campbell, Wright and Flores
4. Jonson
5. Dixon

هدف پژوهش حاضر شناخت نقش واسطه‌ای گسلس عاطفی بین انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی با دلزدگی زناشویی بود، تحلیل داده‌ها نشان داد که تبیین دلزدگی زناشویی بر اساس انتظارات و همجوشی شناختی با نقش واسطه‌گری گسلس عاطفی در زنان متأهل از برازش مطلوب برخوردار است. نتایج بدست آمده با یافته‌های علی بکیان و افشاری‌نیا (۱۳۹۸)، کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶)، توماس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) و پرایس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) مرتبط و همسو است.

در توضیح واسطه‌گری گسلس عاطفی بین انتظارات و همجوشی با دلزدگی زناشویی می‌توان اینگونه تبیین کرد که انتظارات غیرمنطقی و تجربیات فکری ناشی از همجوشی باعث ایجاد تفسیرهای شناختی نادرست در افکار زوجین شده، به این صورت که کیفیت توقعات و مطالبات غیرمنطقی زوجین از یکدیگر، می‌تواند باعث شکل‌گیری یک سری تفسیر و خطاهای منفی در ذهن شود. تحقیقات هیز و ویلسون، (۲۰۱۲) نشان می‌دهد، زمانی که زوجین در همجوشی شناختی به خاطر اجتناب با واقعیت درونی‌شان دچار مشکلات شناختی می‌شوند، باعث می‌شود در دراز مدت دچار ناتوانی در تنظیم هیجان و فاصله‌گیری عاطفی و قطع ناگهانی رابطه در زندگی زناشویی شوند، که بر جدایی عاطفی اثرگذار بوده و باعث دلزدگی زناشویی می‌شود.

همچنین نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد انتظارات زناشویی بر دلزدگی زناشویی اثر مستقیم دارد. این یافته با نتایج پژوهش رضایی و رضایی (۱۳۹۷)، شفعی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) و کمپل و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) مرتبط است، در واقع می‌توان گفت انتظارات زناشویی، که به عنوان ایده آل و تصاویری از ازدواج در نظر گرفته شده و زوجین آنها را بر اساس فرهنگ، رسانه و روابط والدینشان با خود به رابطه زناشویی آورده‌اند<sup>۴</sup> (جانسون ۲۰۱۵) می‌تواند شامل شخصیت، جذابیت و مدیریت زوجین در خانواده باشد (دیکسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). وقتی افراد، رابطه را با یک تصویر ایده‌آل گرایانه افراطی از شریک خود آغاز کرده و در عمل مشاهده می‌کنند که انتظاراتشان با واقعیت هماهنگی ندارد، رابطه آنها کم‌کم مستعد فرسایش می‌شود و این‌گونه باعث شکل‌گیری زمینه دلزدگی زناشویی در یکدیگر می‌شوند (میلر و تدر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱).

همچنین نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد گسلس عاطفی بر دلزدگی زناشویی زنان متأهل اثر مستقیم دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های لی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۲۰)، نایر و بارتل-هرینگ<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) و کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶) مرتبط است. طبق نظر بوئن افراد دارای گسلس عاطفی بدلیل عدم بلوغ هیجانی و ظرفیت محدود صمیمیت، از تمایز یافتگی پایینی برخوردارند (گرینبرگ و گلدمن<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷). به این ترتیب افراد دارای گسلس عاطفی به دلیل بیان عاطفی و کنترل هیجانات پایین در اختلافات زناشویی، ممکن است مشکلات عاطفی بیشتری را در روابط خود تجربه کنند که در

6. Miller and Tedder
7. Lee and Zelman
8. Nair and Bartel- Hering
9. Greenberg



زندگی نبوده و مشکلات زیادی در روابط خود تجربه کنند که این مشکلات زمینه دزدگی زناشویی را فراهم می‌کند. (گیلاندرز و همکاران، ۲۰۱۵).

یافته‌های این پژوهش نشان داد، مدل تبیین دزدگی زناشویی براساس انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی با نقش واسطه‌گری گسلس عاطفی در زنان متأهل از برآزش مطلوب برخوردار است. به عبارتی گسلس عاطفی به عنوان یک فرایند هیجانی آسیب‌پذیر می‌تواند واسطه‌ایی بین شناخت (انتظارات زناشویی و همجوشی شناختی) و رفتار (دزدگی زناشویی) باشد به این‌گونه که انتظارات غیرمنطقی و تحریفات فکری ناشی از همجوشی شناختی، به دلیل تفاسیر شناختی اشتباهی که در افکار زوجین پدید می‌آورند، می‌توانند کمبودهایی را در کفایت هیجانی افراد به وجود آورند، در نهایت تبدیل به دزدگی زناشویی خواهد شد.

از محدودیت‌های این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع دزدگی عاطفی می‌توان به این امر اشاره کرد که این پژوهش فقط در زنان متأهل انجام شده و از تعمیم به زوجین باید اجتناب شود. همچنین با توجه به نمونه پژوهش که زنان متأهل دارای اختلافات زناشویی بودند، نوع اختلاف و عامل موثر در آن می‌تواند بر نتایج موثر باشد که در این پژوهش کنترل نشده است.

#### تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی شرکت کنندگان که صمیمانه ما را در اجرای این پژوهش یاری نمودند تشکر و قدردانی می‌شود.

#### منابع

اسماعیلی، محمودپور، عبدالباسط؛ خسروانی، فرخنده؛ قاسمی نیایی، فاطمه؛ درخشان، نفیسه. (۱۳۹۹). پیش‌بینی دزدگی زناشویی براساس همجوشی شناختی و الگوهای ارتباطی در معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان. *فصلنامه روانشناسی تحلیلی شناختی*، ۴۰، ۹۳-۸۴.

اسماعیل پور، خلیل. (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد رضایت زناشویی زنان دارای مشاغل دولتی آزاد و زنان خانه دار. *فصل نامه پژوهش های نوین روانشناختی*، ۸ (۲۹)، ۲۵-۴۱.

اکبری، مهدی. محمد خانی، شهرام و ضرغامی، فیروزه. (۱۳۹۵). نقش واسطه ای آمیختگی شناختی در تبیین ارتباط بین بی نظمی هیجانی با اضطراب و افسردگی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۲۲ (۱)، ۱۷-۲۷.

الوندی سرایی، محمد؛ زارع، حسین؛ علی پور، احمد و عرفانی، نصرالله. (۱۳۹۵). پیش بینی تحریف های شناختی بر اساس باورهای غیرمنطقی و همجوشی شناختی. *فصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۵ (۲)، ۳۸-۲۵.

پناهی، مریم. کاظمی جمارانی، شبنم. عنایت پور شهرباکی، مهدیه. رستمی، مهدی. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی رفتاری-تلفیقی بر کاهش دزدگی زناشویی و ترس از صمیمیت زوج ها. *فصلنامه روان شناسی کاربردی*، ۱۱ (۴)، ۳۷۳-۳۹۲.

پورحجازی، مریم. خلعتبری، جواد. قربان شیروزی، شهره. خدابخشی کولایی، آناهیتا. (۱۳۹۹). اثربخشی بسته آموزش درمان فرا تشخیصی مبتنی بر الگوی مک مستر، درمان متمرکز بر شفقت و ذهن آگاهی بر طلاق عاطفی و دزدگی زناشویی زنان دارای تعارض زناشویی: یک مطالعه راهنما. *فصلنامه علمی پژوهشی سلامت اجتماعی*، ۸ (۱)، ۹۰-۷۸.

ایجاد دزدگی زناشویی موثر است (اسکورن، ۲۰۰۰). طبق نظر بوئن افراد دارای گسلس عاطفی بدلیل عدم بلوغ هیجانی و ظرفیت محدود صمیمیت، از تمایز یافتگی پایینی برخوردارند (گرینبرگ و گلدمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). به این ترتیب با توجه به نتیجه گسلس عاطفی طبق پژوهش جکیمویج<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) می‌توان چنین تبیین کرد که وقتی اضطراب و پریشانی ناشی از نزدیکی شدید غیر قابل تحمل می‌شود، فرد با دور شدن و در دسترس نبودن از نظر عاطفی واکنش نشان می‌دهد. پس می‌توان تبیین کرد که گسلس عاطفی با دور کردن زوجین از یکدیگر و در دسترس نبودن عاطفی می‌تواند دزدگی زناشویی را در پی داشته باشد.

یافته نشان داد که همجوشی شناختی بر دزدگی زناشویی زنان متأهل اثر مستقیم دارد. نتایج این پژوهش با بخشی از نتایج پژوهش‌های صمدی فرد (۱۳۹۵) و اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۹) مرتبط است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای همجوشی شناختی به تفسیر غلط و غیرمنطقی از افکار می‌پردازند که این ویژگی باعث مشکلات زیادی در آنها می‌شود و طبق نظر گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۵) نیز شناخت‌های معیوب ناشی از همجوشی شناختی بخاطر دوگانگی در فکر و عمل باعث می‌شوند زوجین نتوانند حقایق فکری را از واقعیت تشخیص دهند که این شیوه باعث تفسیر نادرست از وقایع و رفتارها می‌شود. بر این اساس درک نادرست و تفسیر اشتباه از رفتارهای طرف مقابل باعث تشدید مشکلات در روابط زوجین شده و بر دزدگی تأثیر می‌گذارد (صمدی، ۲۰۱۶).

انتظارات زناشویی با واسطه‌گری گسلس عاطفی بر دزدگی زناشویی زنان متأهل اثر غیرمستقیم دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، جانسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) و پورحجازی و همکاران (۱۳۹۹) مرتبط است. در راستای میانجی‌گری گسلس عاطفی با انتظارات زناشویی و دزدگی زناشویی طبق دیدگاه پاینز<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) می‌توان گفت که انتظارات غیرواقعی از ازدواج و همسر باعث پایین آمدن بیان عاطفی و کناره‌گیری احساسی آنها از شریک عاطفی‌شان می‌شود (مک نالتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸) و از طرفی انتظار می‌رود افرادی که گسلس عاطفی دارند، در زمان ازدواج، ظرفیتی محدود برای صمیمیت داشته باشند. بنابراین افرادی که گسلس عاطفی دارند اغلب تمایل دارند خودشان را از رابطه عاطفی با همسر جدا کنند. که چنین ویژگی‌هایی زمینه پریشانی و دزدگی را در روابط زوجین ایجاد می‌کند.

همجوشی شناختی با واسطه‌گری گسلس عاطفی بر دزدگی زناشویی زنان متأهل اثر غیرمستقیم دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گیلاندرز و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) و عیسی‌زادگان و دوست علی‌زاده (۱۳۹۹) مرتبط است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زوجین دارای همجوشی شناختی در هنگام بحث و اختلاف زناشویی بدلیل خطاهای فکری قادر به تمایز بین واقعیت فکر و عمل نیستند و این تفسیرهای نادرست در افکار زوجین باعث بیان نامناسب عاطفی، عدم انعطاف‌پذیری عاطفی و جدایی عاطفی در آنها شده و زمینه‌ای فراهم می‌شود که زوجین قادر به کنترل و تنظیم هیجانات

4. pinez  
5. McNulty  
6. Gilanders

1. Greenberg  
3. Johnson

- Bartle-Haring, S; Day, D&Gangamma, R (2010). Couple Communication, Emotional and Sexual intimacy, and Relationship Satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*. 40(4), 275-2
- Beam, C. R., Marcus, K., Turkheimer, E., & Emery, R. E. (2018). Gender differences in the structure of marital quality. *Behavior genetics*, 48(3), 209-223.
- Campbell, K., Wright, D.W., and Flores, D. G. (2012). Newlywed Women's Marital Expectations: Lifelong Monogamy? *Psychology Faculty Publications*, 53(2), 108-125.
- Faubert K. This isn't a fairy tale: An exploration of marital expectation and coping among marriage women [MSc. thesis]. Miami: Miami University; 2008.
- Gillanders, D.; Ashleigh, K.S.; Margaret, M. & Kirsten, J. (2015). "Illness cognitions, cognitive fusion, avoidance and self-compassion as predictors of distress and quality of life in a heterogeneous sample of adults, after cancer". *J Contextual BehavSci*, 4: 300- 31
- Dixon, L.J., Gordon, K. C., Froussakis, N. N &. Schumm, J. A. (2012). A study of expectation and the marital quality of participants of marital enrichment seminar *Family Relations*, 61(1), 75-89.
- Drake, J. R. (2011). Differentiation of self-inventory-short form: creation and initial evidence of construct validity Doctoral dissertation, University of Missouri--Kansas City. (handle/10355/11137.
- Greenberg, L. S., & Goldman, R. (2007). Case formulation in emotion-focused therapy. *Handbook of psychotherapy case formulation*, 2(2), 379-411.
- Hayes, S. C., Strosahl, K. D., & Wilson, K. G. (2012). *Acceptance and commitment therapy: The process and practice of mindful change* (2nd ed.) New York NY: Guilford Press <http://research.news.OSU/archive/marsatis.Htm>.
- Hyde, J. S. & DeLamater, J. D. (2008). *Understanding Human Sexuality*. McGrawHill Higher Education.
- Johnson, K. D. (2015). Marital expectation fulfillment and its relationship to height of marital expectations, optimism, and relationship self-efficacy among married individuals. *Andrews University. ProQuest Dissertations Publishing*, 2015. 10162829.
- Guy, K.A. (2018). *Marital Fusion in Couples*. Springer, p 1-3.
- Jakimowicz, S., Perry, L., & Lewis, J. (2021). Bowen Family Systems Theory: Mapping a framework to support critical care nurses' well-being and care quality. *Nursing Philosophy*, 22(2), e12320
- Li, X., Zhou, N., Fang, X., & Cao, H. (2020). Marital conflict resolution and marital affection in Chinese marriage: Integrating variable-centered and person-centered approaches. *Marriage & Family Review*, 56, 369-389.
- McNulty, J. (۲۰۰۸). Some married couples will do better by lowering expectation. *National institute of Mental Health* <http://research.news.Archive/marsatis.Htm>.
- Miller, J., & Tedder, B. (2011). The Discrepancy between Expectations and Reality: Satisfaction in Romantic Relationships. *Hanover College, PSY 401: Advanced Research*.
- Norcross, J. C., Krebs, P. M., & Prochaska, J. O. (2011). Stages of change. *Journal of clinical psychology*, 67(2), 143-154.
- رضائی، سعیده. رضایی، فاطمه. (۱۳۹۷). پیش‌بینی فرسودگی زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی. *فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲۳(۲)، ۳۸-۲۳.
- ساداتی، سیداحسان. مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز. سودانی، منصور. (۱۳۹۴). رابطه علی تمایزیافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. *دو فصلنامه روانشناسی خانواده (نشریه انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران)*، ۱(۲)، ۵۵-۶۸.
- سودانی، منصور. دهقانی، مصطفی. دهقان زاده، زهرا. (۱۳۹۱). اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای (TA) بر دلزدگی زناشویی و کیفیت زندگی زوجین. *فصلنامه مشاوره روان درمانی خانواده*، ۳(۲)، ۱۵۹-۱۸۱.
- شعفی‌زاده، حانیه. نجارپوریان، سمانه. و سپهری شاملو، زهره. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به روش سیمبیس بر تمایزیافتگی، نگرش‌ها و انتظارات زناشویی در بین دختران مجرد دانشگاه هرمزگان. *فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۹(۲)، ۱۲۰-۱۴۰.
- صمدی‌فرد. (۱۳۹۵). پیش‌بینی امید به زندگی زوجین بر اساس باورهای فراشناختی و همجوشی شناختی. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۶(۲)، ۴۸-۶۲.
- عباس پور، ذبیح اله. کریمی وردنجانی، مسعود. خجسته مهر، رضا. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای تحقق انتظارات زناشویی در تأثیر رضایت زناشویی بر انتظارات زناشویی بالا، خوش‌بینی و خودکارآمدی ارتباطی در کارکنان دانشگاه. *فصلنامه پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، ۵(۴)، ۱۴-۱.
- علی بکیان، علی رضا. و افشاری نیا، کریم. (۱۳۹۸). برازش مدل نقش واسطه‌ای دلزدگی زناشویی در رابطه بین تمایزیافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی در زنان و مردان متأهل در شهر کرمانشاه. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۱۰(۳۸)، ۲۲۵-۲۴۶.
- عبسی‌زادگان، علی. دوست علی‌زاده سحر. (۱۳۹۹). مقایسه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی، هم‌جوشی و گسلس شناختی در زنان و مردان متقاضی طلاق. *فصلنامه پرستاری، مامایی و پیراپزشکی*، ۵(۴)، ۱۵-۲۶.
- کازمیان مقدم، کبری. مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز. کیامنش، علی رضا و حسینیان، سیمین. (1396). نقش تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل. *نشریه علمی زن فرهنگ*، ۹(۳۳)، ۳۵-۵۰.
- مومنی، خدامراد. عزیزی، صمد. محمد نجار، نرگس. احمدیان، علی. تقی پور، بهزاد. محمدی، پریرسا. (۲۰۲۱). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر کاهش دلزدگی زناشویی و نارسایی هیجانی زوجین در شرف طلاق. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۶(۶۲)، ۱۸-۳۱.
- نیلفروشان، پریرسا. نویدیان، علی. عابدی، احمد. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس نگرش به ازدواج. *فصلنامه روان پرستاری*، ۱(۱)، ۳۵-۴۶.
- یارمحمدی واصل، مسیب. مهربانی پور، محیا. ذوقی پایدار، محمدرضا. (۲۰۲۱). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس انواع طرحواره‌های عشق و جهت‌گیری اهداف زناشویی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۱۶(۶۲)، ۹۰-۱۰۸.
- یونسی، فاطمه. (1386). هنجاریابی آزمون خودتمایزسازی (DSI-R) در بین افراد ۲۵ تا ۵۰ ساله. پایان‌نامه‌ی کارشناسی-ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Pines, A. M. (2012). Couple burnout: Causes and cures. *The American Journal of Family Therapy*, 10, 42-48.
- Price, A. A., Leavitt, C. E. & Allsop, D. B. (2020). How Gender Differences in Emotional Cutoff and Reactivity Influence Couple's Sexual and Relational Outcomes. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 47(1), 16-31.
- Shenk, C. E., & Fruzzetti, A. E. (2011). The impact of validating and invalidating responses on emotional reactivity. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 30(2), 163-183.
- Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment.
- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy*, 31(1), 3-18.
- Thomas, R., Shelley-Tremblay, J., & Joanning, H. (2020). Anxiety Explains Self-Differentiation: Implications for Bowenian Approaches to Marriage and Family Therapy. *The American Journal of Family Therapy*, 1-16.
- Tsapelas, I., Aron, A. and Orbuc, T. (2016). Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years later. Published in: *psychological Science*. 20(5). 543-545.